



## عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی به لحاظ

### جامعه‌شناختی: مطالعه موردی صنعتگران شهر مشهد

هادی لباف خانیکی<sup>۱</sup>، مجید فولادیان<sup>۲</sup>، محسن نوغانی دخت‌بهمنی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۰۰/۱/۱۰، تاریخ تأیید: ۰۰/۷/۱۰

#### چکیده

در هر فرهنگی صنایع دستی از شاخص‌های بنیادین احراز هویت و اعتبار معنوی و تاریخی ملت‌هاست و بررسی اهداف تولید آن در صنعت مدرن، از ضرورتی درخور توجه برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی، به لحاظ جامعه‌شناختی با تأکید بر مشاغل موجود در شهرستان مشهد انجام شده است. روش انجام این پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بود. داده‌های تحقیق، از طریق مصاحبه‌های انفرادی نیمه‌ساختاریافته با هنرمندان و صنعتگران صنایع دستی گردآوری شد. به منظور اعتباربخشی به نتایج پژوهش نیز بخشی از پژوهش به روش مشاهده انجام شد. پس از پیمودن مراحل سه‌گانه کدگذاری مطابق با الگوی پیشنهادی استراوس و کوربین، پدیده مرکزی تحقیق با عنوان «افول همراه با تداوم صنایع دستی» شناسایی شد و مدل پارادایمی متناظر با آن تدوین شد. این پدیده، نشانگر ایده‌ها و مقاصد اجتماعی است که توجیه‌کننده انجام این حرفه سنتی در دوران معاصر است. نتایج این تحقیق نشان داد که داشتن ذائقه هنری، عناصر محرک فعالیت هنری و تأثیرپذیری محیطی و معنوی مهم‌ترین شرایط علی مؤثر بر پدیده ذکر شده است. همچنین پیامد اصلی را سه مقوله تأثیر بر جامعه مخاطب، کسب جایگاه اجتماعی و پیامدهای اجتماعی مرتبط با موضوع شکل می‌دهد که به تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی در طبقه اجتماعی جدیدی به رغم افول آن در خاستگاه سنتی‌اش منجر شده است.

واژگان کلیدی: صنایع دستی، احراز هویت، پیامدهای اجتماعی.

۱ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ [labfaf.h@gmail.com](mailto:labfaf.h@gmail.com)

۲ استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ [fouladiyan@um.ac.ir](mailto:fouladiyan@um.ac.ir)

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ [noghani@um.ac.ir](mailto:noghani@um.ac.ir)

در هر فرهنگی، صنایع دستی از شاخص‌های بنیادین احراز هویت و اعتبار معنوی و تاریخی ملت‌هاست که در تاریخ هر ملت ریشه دارد. گذشته از نامی که صنایع دستی دارد، پدیده‌ای فرهنگی است که بر پایه باورها و اعتقادات توسط دستانی عاشق آفریده شده است و حاصل تجربه جمعی یک قوم است و با شیوه زندگی آمیخته و در شرایط اجتماعی زمان خود غنی می‌شود؛ به همین دلیل انبوهی از باورها، ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی محیط را در خود دارد؛ ارزش‌هایی که عمدتاً جمع‌گرایانه و اجتماع‌محورد و حامی ساختارهای گروهی و نیازهای مشترک جمعی‌اند (رضوانفر، ۱۳۸۵). به‌طور کلی صنایع دستی طیف بزرگی از اشیای کاربردی و غیر کاربردی را در سطوح متفاوتی از تولید انبوه کارگاهی تا اشیای منحصر به فرد در برمی‌گیرد که دارای ارزش‌های زیبایی‌شناختی خاص هستند.

یکی از مظاهر و تمدن چند هزار ساله ایران که در شاخه‌های متنوعی خودنمایی می‌کند و بازگوکننده هویت و ذوق و هنر ایرانیان است، صنایع دستی است؛ با وجود این، در دوران معاصر و با ظهور تغییرات و تحولات اجتماعی فرهنگ، به صنایع دستی با اصول و تعاریف نادرست بی‌توجهی شده است و مشکلات بسیاری در عرصه این هنر ظاهر شده است؛ به‌طوری‌که انقراض بسیاری از رشته‌ها را به‌همراه داشته است. اشیای صرفاً قالبی و فاقد ذوق هنری که در بسیاری از موارد رنگ و بوی هنر سنتی را ندارند، در کنار مصنوعات اصیل قرار داده شده‌اند و با تأثیرپذیری از رشد مدرنیته و ارزش‌های فردگرایانه، راه‌های تازه‌ای برای دخل و تصرف در اشکال گوناگون این صنایع به‌وجود آمده است و الگوهای تاریخی و سنتی، دیگر سرمشق تولیدکنندگان صنایع دستی نیستند (طیبسی و رازانی، ۱۳۸۶). امروزه صنایع اصیل، کاربردشان را در زندگی روزمره از دست داده‌اند و بی‌کارکردی آنها موجب نابودی‌شان شده است. کارگاه‌ها شکوه گذشته را ندارند و کالاها نیز رونق گذشته را ندارند. رواج روزافزون صنایع ماشینی و ارزان از تعداد هنرورانی که با صبر و مهارت به تولید می‌پردازند، کاسته است و روحیه خلاق و قوه آفرینش هنرمندان نورسیده را به‌سوی تقلیدهای سطحی کشانده و اغتشاشات و درهم‌ریختگی‌هایی را در عالم هنر به وجود آورده است؛ البته از سویی صنعتگرانی نیز هستند که بدون ایجاد تغییرات بنیادین در هنرشان در

مقابل هجوم صنعت، مقاومت کرده‌اند و ضمن تقلید از گذشته، با انگیزه‌های گوناگون به حیات خود ادامه داده‌اند<sup>۱</sup> (طیسی و رازانی، ۱۳۸۶).

تعداد صنعتگران صنایع دستی در مقایسه با گذشته، کاهش چشمگیری داشته و به فعالیت‌های صنایع دستی علی‌رغم اهمیتی که در اقتصاد کشور داشته، در طی زمان و در فرایندهای برنامه‌ای بی‌توجهی شده و از اهمیت آنها کاسته شده است؛ درحالی‌که در کشورهای پیشرفته و درحال توسعه، نقشی عمده و بسزایی دارند و کشورهایی چون «هند» و «چین» توانسته‌اند با استفاده از توسعه صنایع دستی و روستایی خود، ضمن بهبود اقتصاد داخلی و ایجاد اشتغال به درآمد ارزی چشمگیری دست یابند.

هنرمندان و صنعتگران استان خراسان رضوی بخشی از هنرمندان کل کشور را تشکیل می‌دهند که در هنرهایی نظیر ساخت زیورآلات سنتی، محصولات چرمی دست‌دوز، تراش سنگ‌های قیمتی، گلدوزی سنتی، تذهیب و تشعیر، فیروزه‌کوبی، گلیم‌بافی و فرت‌بافی مشغول به تولید می‌باشند. برخورداری از وجود منابع طبیعی؛ نظیر سنگ‌های قیمتی و نیز وجود فضای معنوی به برکت حریم حرم رضوی در شهرستان مشهد هم به‌طور خاص، سبب رونق رشته‌هایی نظیر «تذهیب»، «ساخت انگشتر» و «حکاکی آیات و اسمای شریفه روی سنگ‌های قیمتی» شده است. ظرفیت گردشگری موجود نیز سبب رونق هنرهای دیگری شده است و هم این موضوع به بروز انگیزه‌های مختلف برای پرداختن به صنایع دستی با رویکردهای مختلف می‌انجامد.

صنایع دستی، نشانی عینیت‌یافته از هنر و فرهنگ ایرانی است و بخش مهمی از تاریخ این مرز و بوم به حساب می‌آید؛ به همین دلیل، به‌راحتی می‌تواند به مسیری هموار برای جذب گردشگر تبدیل شود. هنرهای سنتی و دست‌سازهای خلاقانه ایرانی در طول تاریخ، ارزشی کاربردی داشته‌اند و نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم را برطرف می‌کرده‌اند. هرچند در دوران معاصر میزان استفاده از صنایع دستی در زندگی روزمره کاهش یافته است، به‌نظر

---

۱. این وضعیت رویکردهایی مختلفی را به هنر سنتی به‌وجود آورده است که عبارت‌اند از: الف) رویکرد تقلیدی که در آن، اثر بدون نوآوری و صرفاً با تقلید از شاهکارها پدید می‌آید که در سطح می‌ماند و به عمق هنر سنتی راه نمی‌یابد؛ ب) رویکرد پایا: هنر سنتی انعطاف‌پذیر و زنده است و در پی استمرار و ماندگاری سنت است؛ البته تلاش هنرمند برای ایجاد تفاوت در هنرش است؛ ج) رویکرد ابزاری: هنر به‌عنوان یک ابزار به‌کار گرفته می‌شود و کاربر بدون اطلاع از اصل و مفهوم و محتوا از آن استفاده می‌کند؛ د) رویکرد اصولی: هنرمند با استفاده از انعطاف موجود در ذات سنت و ضمن رعایت محدوده‌های تغییرنکردنی سنت چیزی را پدید می‌آورد که برای مخاطب هم‌عصرش جذاب و کارا باشد (طیسی و رازانی، ۱۳۸۶).

می‌رسد زمان آن فرارسیده است که بار دیگر، ایرانیان به داشته‌های ملی و فرهنگی خود رجوع کنند تا هم از هنرهای سنتی‌شان لذت ببرند و هم زمینه حمایت از این داشته‌های ارزشمند و هنرمندان این عرصه را فراهم کنند. علاوه‌براین حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و فرهنگی در ایران است که ابزاری درخور توجه برای صادرات کالا، اشتغال‌زایی، جذب توریسم و افزایش سطح تولید ملی به‌شمار می‌رود، بنابراین در پژوهش حاضر، قصد داریم بررسی کنیم با وجود رویکردهای مختلف در پرداختن به صنایع دستی در دوران معاصر و در میان صنعتگران سنتی شهر مشهد، عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی در بین این صنعتگران کدام است؟

## مبانی نظری

صنایع دستی را می‌توان به‌عنوان بخشی از هنرهای سنتی تعریف کرد. تاکنون تعاریف متعددی از صنایع دستی ارائه شده است، اما در جدیدترین تعریف؛ «بخشی از هنر - صنعت معرفی شده است که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و انجام‌دادن کار اساسی به کمک دست و ابزارهای دستی، محصولاتی ساخته شده و در هر واحد آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر سازنده به‌نحوی تجلی یافته است و همین، عامل تمایز آن از صنایع ماشینی است؛ مانند منبت‌کاری، قالی‌بافی، زری‌بافی و نظایر آن» (یاوری، ۱۳۸۲).

از نگاه سازمان «یونسکو» صنایع دستی از مواد خام، تولید شده و قابلیت آن را دارد که به تعداد نامحدود تولید گردد. این محصولات می‌توانند کالای (سرمایه‌ای) و مصرفی (کاربردی) هنری دارای جنبه‌های زیبایی‌شناختی، خلاقانه و تزئینی دارای بار فرهنگی، سنتی و دارای جنبه نمادین دینی و اجتماعی باشد (سمپوزیم بین‌المللی یونسکو ITC-مانیل فیلیپین سال ۱۹۹۷) سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) هم در تعریف صنایع دستی ویژگی‌های عمومی آن را به شرح زیر بیان می‌کند:

- به‌کارگیری ابزار ساده در ساخت آنها
- عدم نیاز به دانش فنی پیچیده نسبت به سایر صنایع
- ناهمانندی و عدم تشابه فرآورده‌های تولیدی با یکدیگر
- ریشه گرفتن از فرهنگ، اعتقاد، باورها، آداب و رسوم منطقه
- امکان تأمین بخش عمده مواد اولیه از منابع داخلی

- قابلیت عرضه به بازارهای جهانی به‌عنوان یک محصول فرهنگی و هنری

- کمک به توسعه صنعت گردشگری و نشر ارزش‌های فرهنگی

- سرمایه‌گذاری کم و کاربری زیاد

- بالا بودن ارزش افزوده تولید

- قابلیت جنبه‌های کاربردی-تزیینی محصول

- سهولت در ایجاد توسعه و جابه‌جایی مکان کارگاه (مراکز تولید)

- سهولت در انتقال تجربیات و دانش فنی تولید

به صنایع دستی صرف‌نظر از هنر به‌عنوان یک «پیشه» نیز نگریسته می‌شود. در دوران اخیر، صنایع دستی منبع مهمی برای ایجاد شغل و کسب درآمد برای بسیاری از گروه‌های شهری و روستایی بوده است و در نقاطی که مشکل جمعیت و کمبود وجود دارد، می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازها باشد؛ به‌طوری‌که در بسیاری از شهرها به‌عنوان یک حرفه مطرح می‌شود و شاغلان آن، از درآمد خوبی برخوردارند. از سویی صنایع دستی، نقش مؤثری در تولید ناخالص ملی کشور ایفا می‌کند و تنوع در آن، به‌حدی است که با برنامه‌ریزی‌های اصولی می‌توان سهم بیشتری از تولیدات صنایع دستی را جزو صادرات غیرنفتی محسوب کرد. همچنین با توزیع درآمد بین طبقات پایین‌تر جامعه، کمک درخور توجهی به توزیع عادلانه درآمدها و تأمین تعادل اجتماعی خواهد کرد.

هنرهای بومی، قومی و کاربردی مصداقی از هویت هنری و بخش ارزش‌مدار و تحسین‌برانگیز میراث فرهنگی و اقتصاد هنرمند صنعت‌گرا هستند که با سیر صعودی تغییر شیوه زندگی و نداشتن مطابقت با کاربرد در زندگی امروز به‌مرور کارکرد و هویت خود را از دست داده‌اند؛ باین‌حال، در دسته‌ای از مطالعات، سنت و مدرنیسم نفی‌کننده یکدیگر نیستند؛ یعنی جریان صنعتی‌شدن لزوماً سنت را تضعیف نمی‌کند و حتی سنت، به یک ایدئولوژی مناسب برای دگرگونی تبدیل می‌شود (روشه<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰). چه بسا ماندگاری تاریخی صنایع دستی، بیش از ارزش‌های اقتصادی آن، به اتکاء ارزش‌های فرهنگی و اصول انسان‌گرایانه و معنویات نهفته در آن است که همواره قابلیت تکثیر و انطباق در متن زندگی فردی و اجتماعی را داشته و یکی از مصادیق غنی فرهنگ و عامل «هویت‌ساز» است که با زندگی مردم عجین شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است.

آنچه که در ادامه می‌آید؛ مجموعه‌ای از رویکردهای نظری است که به‌عنوان دریچه‌ای برای نگرستن به این موضوع انتخاب شده و تفسیر محقق را شکل داده‌اند. گویی در ابتدای مطالعه، لنز مشخصی انتخاب می‌شود و بر اساس آن به پدیده نگرسته و داوری می‌شود.

## رویکرد اول: همگرایی و واگرایی

اینگلهارت<sup>۱</sup> و ولزل<sup>۲</sup> با بررسی نظریه‌های مختلف در باب تأثیر مدرنیزاسیون بر تغییرات ارزشی، به دو مکتب فکری اشاره می‌کنند: اول «مکتب همگرایی»<sup>۳</sup> که پیش‌بینی می‌کند ارزش‌های سنتی در نتیجه مدرنیزاسیون کاهش یافته و با ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شوند و دیگری «مکتب واگرایی»<sup>۴</sup> که به پایداری ارزش‌های سنتی اشاره دارد و آنها را از ارزش‌های اقتصادی مستقل می‌داند؛ یعنی همگرایی حول مجموعه ارزش‌های مدرن نامحتمل است و ارزش‌های سنتی به تأثیرگذاری مستقل خود بر تغییرات فرهنگی حاصل از توسعه اقتصادی ادامه می‌دهند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

## رویکرد دوم: میدان‌ها و سرمایه‌ها

در نظر بوردیو<sup>۵</sup>، میدان‌ها یا زمینه‌ها ساختار بیرونی هستند که عوامل درونی را در فرد منعکس می‌کنند و درواقع، فضاهای زندگی اجتماعی‌اند. میدان‌های گوناگون هر یک به حوزه خاصی متعلق‌اند و قوانین خاص خود را دارند و به منش افراد شکل می‌دهند. مفهوم سرمایه در نظریه بوردیو، ثروتی مولد و منبعی است که شخص آن را برای ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر به‌کار می‌برد و از معنای پولی سرمایه در اقتصاد وسیع‌تر است. در این میان، سرمایه فرهنگی به‌صورت یک رابطه اجتماعی درون‌سازواره‌ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته است، عمل می‌کند و به قدرت و منزلت منتهی می‌شود (روحانی، ۱۳۸۸).

به باور بوردیو، «ذائقه»<sup>۶</sup> حلقه اتصال بین میدان‌ها و سرمایه‌هاست و از آن به‌عنوان آگاهی از طبقه و جایگاه اجتماعی و درنتیجه روحیات زیبایی‌شناختی و گرایش‌های مصرفی تعبیر می‌کند. با توجه به وجود رابطه بین ذائقه مصرف‌کنندگان و کالاهای فرهنگی - تولیدی، دگرگونی در

1. Englehart
2. Welzel
3. Convergence school
4. Divergence school
5. Bourdieu
6. Taste

اولی، تغییر شکل دومی را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین زمینه موجود، نوع کنش تولیدکنندگان کالای فرهنگی را نیز شکل می‌دهد (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳).

### رویکرد سوم: صنعت فرهنگی

تراسی<sup>۱</sup> معتقد است که ارزش یک اثر هنری را هم از دیدگاه زیبایی‌شناختی و هم از لحاظ اقتصادی می‌توان بررسی کرد (تراسی، ۱۳۹۱). تراسی در این زمینه، مفهوم «صنایع فرهنگی»<sup>۲</sup> را مطرح می‌کند. از نظر او، این اصطلاح گذشته از هر هدفی که ممکن است فعالیت‌های هنرمندان موجب آن شود، به معنای توان اقتصادی تولید فرهنگی به‌منظور تولید، اشتغال و برآوردن نیازهای مصرف‌کننده است. به نظر او در جایی که تقاضا زیاد و گسترده باشد، عرضه آثار هنری با هدف انتفاع، شامل سرگرمی‌های عامه‌پسند و شکل‌های فرهنگی می‌شود، اما بخش غیرانتفاعی فرم‌های هنری پیچیده را در برمی‌گیرد و متمایل به در نظر گرفتن ارزش‌های هنری است تا منفعت مالی (تراسی، ۱۳۹۱).

### رویکرد چهارم: جدال هویت‌ها در جامعه شبکه‌ای

کاستلز<sup>۳</sup> معتقد است در دنیای جدید، با تغییر و تحولات شگرفی که در فرایند هویت‌سازی رخ می‌دهد، زوال هویت‌های مشترک، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. معناسازی برای آن دسته از کنشگران اجتماعی که از فردی شدن هویت ناشی از زندگی در شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت طرد شده‌اند یا در برابر آن مقاومت کرده‌اند، از طریق جماعت‌های فرهنگی استوار بر بنیادهای دینی، ملی و منطقه‌ای است که براساس مجموعه معینی از ارزش‌ها سازمان یافته‌اند و منبع الهامات هویت‌بخش برای اعضا به‌شمار می‌روند (حبی و همکاران، ۱۳۸۹).

به باور کاستلز این امکان وجود دارد که از دل این جماعت‌های فرهنگی، کارگزاران جمعی تغییر اجتماعی سر برآورند و با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی در دسترس، هویت جدیدی بسازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند و برای آنان توانایی ظهور در برابر سلطه منافع جریان‌های جهانی سرمایه، قدرت و اطلاعات را به‌ارمغان آورد (وبستر<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰). این هویت‌های جدید که بر ضد چالش‌های اجتماعی الگوهای سلطه در جامعه شبکه‌ای هستند،

1 Thorosby  
2 Cultural industries  
3 Castells  
4 Webster

عموماً شکل ساخت مستقلی به خود می‌گیرند که با اصول سامانگر جامعه شبکه‌ای بیگانه‌اند و باورها و میراث‌های خود را در مقابل پرستش فناوری، قدرت جریان‌ها و منطق بازار قرار می‌دهند. در چارچوب‌های نظری ارائه شده و بر اساس آنچه که در ادامه خواهد آمد، اشاره به پایداری ارزش‌های سنتی و تأثیرشان بر تغییرات فرهنگی در نظریه اینگلهارت و ولزل، رابطه اجتماعی موجود در سرمایه فرهنگی در نظریه بوردیو، مفهوم صنایع فرهنگی ارائه شده در نظریه تراسی و جماعت‌های فرهنگی کاستلز که استوار بر بنیادهای دینی، ملی و منطقه‌ای می‌باشند در بردارنده نوعی همخوانی خاص با وجوه مطالعه‌شده و به‌خصوص پیامدها و نتایج است.

## مطالعات پیشین

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در بازه‌های زمانی ده ساله، مشخص شد که ۸۳ درصد از مطالعات و تحقیقات در حوزه صنایع دستی در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ انجام شده‌اند که بیانگر افزایش نگاه علمی به موضوع است و شاید هم حاکی از توجه بیشتر به مقوله صنایع دستی است. فراوانی موضوعاتی که در پژوهش‌ها به آنها پرداخته شده است، بیانگر این است که توجه به جنبه اقتصادی صنایع دستی و تأثیری که بر توسعه دارد، از استقبال بیشتری برخوردار است و ۳۴ درصد از پژوهش‌ها را تشکیل می‌دهد. بررسی نقش صنایع دستی در موضوعاتی چون توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی، توسعه کسب‌وکار، تقویت صادرات، رونق بازار و بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی، نشانگر تأثیری است که مقوله صنایع دستی می‌تواند بر ایجاد درآمد و تغییر اوضاع اقتصادی داشته باشد؛ بنابراین تصور بر این است که بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی، به‌لحاظ جامعه‌شناختی، چیزی است که کمتر به آن پرداخته شده است.

### جدول ۱ - رویکردهای کلی مطالعات تجربی و تحقیقی در حوزه صنایع دستی

نوع رویکرد	اجتماعی	هنری	اقتصاد و توسعه	حقوقی	تاریخی	گردشگری	جمع
فراوانی	۱۶	۱۴	۲۶	۳	۸	۹	۷۶
درصد	۲۱	۱۸	۳۴	۴	۱۱	۱۲	۱۰۰

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه صنایع دستی را می‌توان با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف به شرح زیر طبقه‌بندی کرد. شایان ذکر است که از برای هر طبقه‌بندی برای نمونه به چند پژوهش اشاره می‌شود.



## الف) بررسی تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی و تأثیر آن بر اقتصاد و توسعه

در پژوهش پاکزاد (۱۳۹۵) با عنوان «نقش صنایع دستی در کارآفرینی زنان و توسعه اقتصادی»، به صنایع دستی به عنوان اقتصاد پایدار توجه شده است و اهمیت این فعالیت و نقش آن با الگوی اجرایی در کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان و چین مطابقت داده شده است. در کشورهای ذکر شده، توسعه اقتصادی با تکیه بر دانش و فناوری<sup>۱</sup> بومی، محوریت موضوع را به خود اختصاص داده است. نتایج نشان داد که برنامه کارآفرینی زنان در حوزه قالی بافی موجب توسعه اقتصاد روستایی می‌شود و در گسترش صنایع دستی نقش مهمی دارد. این روند، بر الگوهای کارکردی منطبق است که در هندوستان و چین سبب بالابردن موقعیت آنها در اقتصاد جهان شده است.

در برخی از مطالعات به پیچیدگی و گستردگی فعالیت‌ها در حوزه هنرهای صناعی، اثرات ایجاد شده و لزوم توجه به توسعه آنها اشاره شده است؛ به این معنا که آگاهی دقیق از وضعیت موجود موجب برنامه‌ریزی متناسب و بهینه برای رفع ضعف‌ها و تقویت قوت‌های این گونه مشاغل خواهد شد؛ به عنوان مثال، نتایج پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی نقش طرح‌های کارآفرینی در تحولات اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی با تأکید بر صنایع دستی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان انار» نشان داد که استقرار صنایع دستی در متنوع‌سازی و ایجاد اشتغال، کسب درآمد در زمینه اقتصادی، کاهش مهاجرت روستایی، بهبود زیرساخت‌ها و افزایش مشارکت و همکاری در بعد اجتماعی تأثیرگذار است؛ به همین دلیل توجه دادن و هدایت روستاییان به سوی صنایع دستی بومی از راهکارهای عملی در جهت توسعه پایدار روستایی است. تحلیل شیوه مصرف صنایع دستی و کشف علل استفاده از این گونه محصولات و گرایش به آن در پژوهش گلشن بافقی (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی ارزش‌های فرهنگی و تجربه حسی در مصرف صنایع دستی» تاحدزیادی با هدف پژوهش حاضر همسوس است. در پژوهش وی تلاش مردم‌نگارانه آن برای رسیدن به ارزش‌های فرهنگی و انگیزه‌هایی است که مصرف‌کنندگان را به سبک زندگی خاصی سوق می‌دهد.

## ب) تغییر شکل صنایع دستی در نتیجه ظهور فناوری و صنعت مدرن

نظارتی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مدرنیسم بر صنایع دستی ایران: از مشروطه تا پایان پهلوی» انجام داده است. او به تحلیل وضعیت صنایع دستی در این دوران و مطالعه تأثیر

مدرن‌سیم بر دگرگونی صنایع سنتی با توجه به مدرن‌شدن جامعه، ورود کالاهای ماشینی، تغییر سیستم آموزش و رشد فناوری در ایران می‌پردازد. هوشیار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه تکنولوژی در صنایع دستی و حفظ هویت فرهنگی دنیای امروز» معتقد است که صنایع دستی روزگاری پیشه و هنر صنعت تمامی انسان‌ها، اجداد و پدران ما را تشکیل می‌داد، اما امروزه با تمامی گستردگی و تنوع موضوعی به رشته‌های مهجور، ناآشنا، غریب و کم‌رنگ در میان دیگر رشته‌های هنری تبدیل شده است و به‌نوعی در میان جوامع هنری و اقشار صنعتی، جایگاه و هویت خود را گم کرده است. او به‌کارگیری فناوری را برای بهینه‌سازی وضعیت، معنا و ساختار هنرهای ملی و بومی، عاملی مؤثر در حفظ فرهنگ و سنت ایرانی می‌داند که از برجسته‌ترین صفات آن، جنبه ارتباطی و تأثیر و تأثیرپذیری بوده است. نادری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مفهوم اصالت در صنایع دستی با تکیه بر آرای تئودور آدورنو»، مفهوم اصالت صنایع دستی را با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و مباحث فلسفی بررسی کرده است. از نگاه آدورنو، یگانگی و بی‌همتایی که به اثر اصالت ویژه می‌بخشد، با کاربرد فناوری در صنعت فرهنگ از بین رفته است و موجب پیدایش فرهنگ انبوه و بی‌ریشه‌شدن آنها شده است؛ به‌طوری‌که با تسلط بی‌چون و چرای فناوری بر صنایع دستی امروز، تکثیر و نسخه‌برداری از آثار صنایع دستی اصیل در آنها افزایش یافته است و در نتیجه، تولید انبوهشان اصالت آنها را خدشه‌دار کرده است.

### ج) آسیب‌شناسی صنایع دستی و رکود ایجادشده

گسست نسل‌ها از جمله مشکلات و آسیب‌های اجتماعی است که بر هنر تأثیرگذار است. اگر سنت را یکی از ارکان مناسبات نسلی بدانیم، هنر سنتی می‌تواند یکی از عوامل ارتباط بین نسل‌ها تلقی شود. طبسی و رازانی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «هنر سنتی و مناسبات نسلی» انجام داده‌اند. در این مقاله، مرور مفاهیمی چون هنر، سنت، مدرنیته و هنر سنتی با رویکردی برای پرکردن شکاف بین نسل‌ها و بررسی وضعیت نامطلوب هنر سنتی در تعامل با زندگی امروزی، بیانگر این است که مقوله هنر مانند سایر مقولات اجتماعی با مشکلات جدی روبه‌روست که از جمله می‌توان به نبود تعریفی مشترک از هنر در بین نسل‌ها و در نتیجه از بین رفتن امکان گفتگو بین آنها اشاره کرد. نگارندگان، شناخت موانع موجود، مطرح کردن مشکلات اجتماعی ناشی از گسست نسل‌ها، بازنگری در تعاریف، فاصله‌گرفتن از شعارزدگی در جامعه هنری، بهره‌گیری از شگردهای زبانی و بیانی هنری، ایجاد همبستگی اجتماعی و نگاهی به تجارب سایر

کشورها را از جمله عوامل ایجاد همگرایی بین دو نسل می‌دانند. ابول تختی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی صنایع دستی بر مبنای مطالعه جامعه هنرمند و اثر هنری» با نگرشی جامعه‌شناسانه عوامل آسیب‌رسان به صنایع دستی از رونق افتاده را مطالعه کرده است. وی حفظ فرهنگ بومی و قومی، صیانت از پیشینه و اصالت هنری و به‌روزردن آن را عاملی برای پاسداری از هنر و شیوه زندگی اقوام می‌داند.

#### د) بررسی مفهوم و معنا در صنایع دستی و هنرهای سنتی

صابری افتخاری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شناخت باورهای عوام و تأثیر آن در خلق هنر سنتی» پژوهشی در حیطه فولکلور انجام داده است. وی شیء‌باوری در فرهنگ مردم ایران به همراه آداب و رسوم و باورهای مرتبط با آن اشیاء را بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که آثار هنری سنتی نه تنها اشیائی برخاسته از باورهای جمعی و اعتقادات آیینی - مذهبی در فرهنگ عامیانه هستند، بلکه توده مردم به‌منظور رسیدن به نیازها و خواسته‌های معنوی خویش به این اشیاء توسل می‌جویند و آنها را باور دارند. همچنین براساس پژوهش عباسی (۱۳۸۸)، مفهوم و درونمایه طرح اولین قالی که با مضمون باغ بافته شده است، به اندیشه و تفکرات فلسفی و معنوی و باورهای اجتماعی ایرانیان نسبت داده می‌شود.

هریک از حوزه‌های چهارگانه ذکر شده از اهمیت خاصی برخوردارند و بیانگر گوشه‌ای از ویژگی‌های صنایع دستی در دوران معاصر هستند، اما آنچه از لحاظ اجتماعی، تولید هنر سنتی را تداوم می‌بخشد نیز اهمیت دارد که البته پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است. چیت‌سازیان، جویباری و بهارلو (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «جایگاه اجتماعی صنایع دستی و هنرهای سنتی با نظری به مسگری کاشان در گذشته و امروز» صنایع دستی را بخشی از هنرهای سنتی می‌دانند که از ویژگی‌های خاصی چون داشتن ارزش و بار هنری، فرهنگی و تاریخی، بومی بودن و عدم وابستگی به منابع و کارشناسان خارجی، توانایی بالقوه در ارتقاء سطح مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نیز قابلیت توسعه و عدم نیاز به سرمایه کلان برخوردار بوده و همین موضوع، باعث شده که بتواند در متن زندگی فردی و جمعی قرار گیرد. ذکر این نکته مهم است که هم صنعتگر سنتی انگیزه‌ها و دلایلی دارد که در جامعه صنعتی به تولید هنر به شیوه سنتی اقدام می‌کند و هم دست‌ساخته‌هایش بر مخاطبان تأثیر می‌گذارد.

روش اصلی در این پژوهش، نظریه زمینه‌ای است که روشی نظام‌مند و دقیق برای مفهوم‌سازی ارائه می‌دهد و اولین بار گلیزر و اشتراوس<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۷ آن را معرفی کردند. داده‌های لازم برای تشریح فرایند از طریق مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، اسناد دولتی، خاطرات پاسخ‌دهندگان و تأملات شخصی پژوهشگران این مطالعه به‌دست آمده است. با استفاده از نمونه‌برداری نظری داده‌هایی انتخاب شده‌اند که متون و تصورات مفیدی را در راستای تولید یک نظریه به‌دست خواهند داد و تا زمان اشباع نظری یا همان مشاهده تکراری داده‌ها ادامه یافته‌اند. داده‌های مصاحبه‌ای از طریق گفتگو با ۱۶ نفر از صنعتگران به‌دست آمده است (چهار هنرمند صنعتگر زن و ۱۲ هنرمند صنعتگر مرد شاغل در کارگاه‌های صنایع دستی از رشته‌های مختلف شهر مشهد که در جدول ۲ ذکر شده است). اجرای این تعداد مصاحبه، در راستای تحقق قاعده اشباع نظری در نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان شیوه رایج در نمونه‌گیری‌های مطالعات کیفی بوده است.

در انجام مصاحبه، از شیوه «مصاحبه روایی» استفاده گردید. مصاحبه روایی عمدتاً در شیوه زندگی‌نامه‌نگاری به کار گرفته می‌شوند و روایت‌ها حکم داده‌هایی را دارند که از طریق آنها می‌توان به تجربیات شخصی پی برد؛ به این ترتیب که ابتدا وضعیت اولیه شرح داده می‌شود و رویدادهای منتخب از میان تجربیات انبوه به شکل مجموعه‌ای از رویدادهای منسجم معرفی می‌شوند (اووه فلیک<sup>۲</sup>، ۱۳۸۷). سؤالات مولد روایت، کندوکاو و پرس‌وجوی بیشتر در روایت و مرحله سنجش‌گری به منظور تفسیر نظری و سنجش داستان مراحل سه‌گانه انجام این مصاحبه است که در طی آن، مصاحبه‌شونده حکم متخصص و نظریه‌پرداز در مورد خود را پیدا می‌کند (همان).

در پژوهش حاضر، سؤالات مولد، اغلب به‌صورت کلی طرح شده و در طی آن از مصاحبه‌شونده خواسته شده تا روایت از زندگی و تجربیاتشان را با شرح جزئیات بیان کنند:

- سرگذشت زندگی از کودکی تا کنون
- عناصر محرک فعالیت هنری
- تأثیرپذیری و عوامل مؤثر بر تداوم کار هنری
- جایگاه اجتماعی و تأثیرگذاری بر جامعه مخاطب

1 Glaser & Strauss

2 Rocher

برای افزایش میزان اعتبار و نیز مشاهده عینی تداوم فعالیت صنعتگران و ایجاد کارگاه‌های صنایع دستی از ابزار مشاهده نیز استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز در این قسمت نیز با توجه به موقعیت شغلی نگارنده<sup>۱</sup> طبق مراحل ذیل به دست آمده است:

- بازدیدهای انجام‌شده از کارگاه‌های صنایع دستی؛

- اجرای مصاحبه‌های غیررسمی مبنی بر توضیح هدف پرداختن به این حرفه.

همچنین سعی شده است با استفاده از داده‌های اسنادی و مدارک موجود و رسمی نظیر دسترسی به بانک اطلاعاتی متقاضیان صدور پروانه و نقشه‌ قرارگیری کارگاه‌ها در سطح شهر مشهد، بر غنا و اعتبار پژوهش افزوده شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در تحلیل‌های مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، از فرایند کدگذاری داده‌ها مطابق با الگوی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) بهره گرفته شده است که طی آن، تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام می‌شود. روابط بین مقوله‌های استخراج‌شده در قالب یک مدل پارادایمی مشتمل بر مقوله مرکزی، شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط مداخله‌ای و راهبردها و پیامدها ترسیم و تبیین می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). برای کدگذاری نیز از نرم‌افزار تحلیل متن مکس کیو.دی.ای<sup>۲</sup> استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

در آغاز تحقیق، ۱۱ رشته هنری اصیل، بومی و روبه‌فراموشی مشخص شد و نمونه‌گیری از میان صنعتگران و هنرمندانی صورت گرفت که به این هنرها مشغول بودند؛ البته برای افزایش پایایی پژوهش و توان مقایسه انگیزه‌ها و اهداف، تعدادی از نمونه‌های تحقیق نیز از میان دو رشته پرمخاطب چرم و زیورآلات سنتی بوده‌اند.

سابقه کار صنعتگران شرکت‌کننده در این پژوهش، از ۱۰ تا ۵۰ سال متغیر است و تفاوت بین سطوح تحصیلی آنها بیانگر وابستگی نداشتن دانش آکادمیک آنان به نوع فعالیتشان است؛ به طوری که تنها تحصیلات و نوع فعالیت دو نفر از مصاحبه‌شوندگان با یکدیگر مرتبط است.

در تحلیل و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها مشخص شد که نه نفر از مصاحبه‌شوندگان، تحت‌تأثیر مستقیم اعضای خانواده خود بوده‌اند و این تأثیرپذیری به فعالیت‌های هنری، نوع مشغولیت و نیز

۱ شایان ذکر است که نگارنده مسئول صدور مجوزهای تولید کارگاه‌های صنایع دستی استان از سال ۱۳۹۳ تاکنون بوده است.

تشویق‌های والدین بازمی‌گردد. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان نیز با وجود مخالفت‌های اعضای خانواده خود به تولید هنری پرداخته‌اند و پنج نفر نیز به صورت مستقل و براساس علائق شخصی خود فعالیت هنری خود را ادامه داده‌اند؛ البته باید گفت مفهوم علاقه شخصی عاملی است که در بین همه افراد مشترک است.

## جدول ۲- ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

ردیف	سن	تحصیلات	جنسیت	وضعیت تأهل	رشته هنری	سابقه کار هنری (سال)	شغل	شغل پدر و مادر	درآمد (به هزار تومان)
۱	۵۶	فوق دیپلم برق	مرد	متاهل	علم‌ساز سنتی	۳۶	آزاد هنری	پدر: عتیقه‌فروش	۲۵۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۲	۶۷	دیپلم فنی	زن	متاهل	رودوزی سنتی	۵۰	آزاد هنری	پدر: شغل آزاد هنری	۳۵۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۳	۵۲	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	حجاری سنتی	۳۲	آزاد هنری	پدر: معرق‌کار کاشی	۷۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۴	۳۶	کارشناسی فروش	زن	متاهل	سفالگری نقش برجسته	۱۰	آزاد هنری	پدر: فرهنگی	۳۵۰۰
								مادر: شغل آزاد	
۵	۴۳	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	سفالگری ظروف	۱۳	آزاد هنری	پدر: سفالگر	۳۵۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۶	۳۷	کارشناس ارشد پژوهش هنر	زن	متاهل	ساخت زیورآلات سنتی	۱۰	آزاد هنری	پدر: کارخانه‌دار	۴۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۷	۳۳	کارشناس ارشد مدیریت	مرد	متاهل	گره چینی چوب	۱۰	آزاد هنری	پدر: درودگر	۴۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۸	۳۳	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	سراجی سنتی	۱۵	آزاد هنری	پدر: آهنگر	۸۰۰۰
								مادر: فیلمبردار	
۹	۴۲	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	سراجی سنتی	۱۵	آزاد هنری	پدر: گیوه‌دوز	۴۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۱۰	۵۴	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	قلم‌زنی روی فولاد	۳۴	آزاد هنری	پدر: طبیعت‌گرد	۵۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	

ردیف	سن	تحصیلات	جنسیت	وضعیت تاهل	رشته هنری	سابقه کار هنری (سال)	شغل	شغل پدر و مادر	درآمد (به هزار تومان)
۱۱	۴۲	دیپلم	مرد	متاهل	ساخت سازه‌های سنتی	۱۵	آزاد هنری	پدر: کارمند	۴۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۱۲	۳۴	دکترای هنر	زن	متاهل	تذهیب و نگارگری	۱۴	آزاد هنری	پدر: شغل آزاد	۴۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۱۳	۴۴	کارشناس کشاورزی	مرد	متاهل	سفالگری ظروف	۱۲	آزاد هنری	پدر: شغل آزاد	۳۰۰۰
								مادر: فرهنگی	
۱۴	۷۷	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	مهر ساز سنتی	۵۰	آزاد هنری	پدر: درودگر	۲۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۱۵	۷۰	دیپلم	مرد	متاهل	ساخت سازه‌های سنتی	۴۲	آزاد هنری	پدر: شغل آزاد	۵۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	
۱۶	۳۹	کمتر از دیپلم	مرد	متاهل	قلم‌زنی انگشتر	۱۷	آزاد هنری	پدر: شغل آزاد	۳۰۰۰
								مادر: خانه‌دار	

### گردآوری و استخراج مقوله‌ها

در مرحله کدگذاری باز، ۴۷۳ مفهوم اولیه استخراج شد که پس از کدگذاری مجدد و ادغام موارد مشابه، به ۵۷ مورد تعدیل شد (جدول ۳). در ادامه فرایند، ۱۲ مقوله محوری و یک مقوله انتخابی به دست آمد که برای توصیف جامع و مفصل مقوله انتخابی به هریک از آنها پرداخته می‌شود. مفاهیم و مقولات مدنظر در جدول ۳ ارائه شده است.

### جدول ۳- یافته‌های تحقیق

مقوله انتخابی	مقولات عمده (محوری)	کدگذاری باز (خرده مقولات)
علی	انجام دادن فعالیت از دوران کودکی	پرداختن به فعالیت هنری از جوانی
علی		ایجاد کارگاه از کودکی
علی		عشق به هنر از زمان کودکی
علی	شکل‌گیری ذائقه هنری	علاقه به حرفه و فن
علی		عشق به کنجکاو

مقوله انتخابی	مقولات عمده (محوری)	کدگذاری باز (خردهمقولات)
علی		یادگیری هنر در نتیجه تأثیرپذیری از فنون دیگر
علی		علاقه به طبیعت از کودکی
علی		کسب آرامش از گذشته
علی		علاقه به نظم موجود در هنر
زمینه‌ای	ارزش و اهمیت کار هنری	بالابودن جاذبه هنر
زمینه‌ای		کرامت و انسانیت در هنر سنتی
زمینه‌ای		کشش بیشتر هنر سنتی
زمینه‌ای		هنر تقلیدی از کار خدا
مداخله‌ای	عناصر محرک فعالیت هنری	برداشت معنوی و دید حس‌گرایانه به هنر
مداخله‌ای		سخت‌کوشی و نگاه واقع‌گرایانه
مداخله‌ای		گرایش ذاتی به هنر
مداخله‌ای		عشق و علاقه به انجام‌دادن کار هنری
مداخله‌ای		تنوع در فعالیت هنری
مداخله‌ای		آشنایی با حرفه
مداخله‌ای	تأثیرپذیری معنوی و فضایی	تأثیرپذیری دینی
مداخله‌ای		تأثیرپذیری فرهنگی و تاریخی
مداخله‌ای		ماورا و معنویت در هنر
مداخله‌ای		ارتباط یا طبیعت
مداخله‌ای	تأثیرات محیطی	تأثیرپذیری از خانواده
مداخله‌ای		تأثیرپذیری از اساتید دیگر
مداخله‌ای		تأثیرپذیری از مخاطب
مداخله‌ای		الهام‌گیری از مسائل اجتماعی و فرهنگی
راهبردی	نوآوری و خلاقیت	نوآوری در کنار حفظ اصالت
راهبردی		استعداد هنری
راهبردی		استفاده از فنون نوین در اجرای هنر سنتی
راهبردی		خلاقیت ذهن و پیشرفت هنری
راهبردی	عوامل مؤثر بر تداوم کار	توجه به بازار مصرف
راهبردی		کسب تجربه و پایین آمدن هزینه
راهبردی		نقش ارتفاع در توسعه کار
راهبردی		ایجاد اشتغال



مقوله انتخابی	مقولات عمده (محوری)	کدگذاری باز (خردهمقولات)
راهبردی		تربیت کارآموزان موفق
راهبردی		علاقه به تداوم کار هنری در همه شرایط
راهبردی		موفقیت عامل پیشرفت و تقویت اراده
راهبردی		توجه به حفظ اصالت صنایع دستی
راهبردی		اشتیاق به کار و لذت درونی
پیامد	جایگاه اجتماعی	شناخته شدن به واسطه هنر
پیامد		نمود خارجی هنرمند
پیامد		شناسایی جایگاه هنرمند به واسطه ایجاد شبکه اجتماعی
پیامد		دستیابی به جایگاه اجتماعی
پیامد	تأثیر گذاری بر جامعه مخاطب	نقش هنرمند در فرهنگ سازی جامعه
پیامد		تأثیر گذاری بر مخاطبان
پیامد		انتخاب مسیر زندگی
پیامد		تأثیر هنر بر روحیه
پیامد	نشر فن در جامعه	نقش علاقه مخاطب در ترویج و توسعه هنر
پیامد		تلاش برای ترویج هنر
پیامد		بازگشت دوباره مردم به استفاده از صنایع دستی
پیامد		اعتقاد به تأثیر آموزش بر بازار کار
پیامد	گرایش به حرفه	تبلیغ و دفاع از هنر ملی سرزمین
پیامد		هنر؛ بیانگر تفکرات
پیامد		کسب آرامش از طریق هنر
پیامد		کارآفرینی و ایجاد اشتغال
پیامد		هنر؛ عاملی برای بهبود اقتصاد زندگی و کسب انتفاع

## تحلیل داده‌ها

مفاهیم و مقولات جدول ۳ بیانگر ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی‌ای است که مصاحبه‌شوندگان در رابطه با دلایلیشان درباره پرداختن به هنر سنتی و صنایع دستی بیان کرده‌اند.

### شرایط علی

داشتن ذائقه هنری و انجام دادن فعالیت از دوران کودکی، به‌عنوان شرایط علی بر پدیده مرکزی تحقیق اثرگذار بوده‌اند. مقوله «ذائقه هنری» از مفاهیمی چون علاقه به حرفه و فن از دوران

کودکی، عشق به کنجکاو‌ی در طبیعت، علاقه به نظم موجود در هنر و یادگیری هنر در نتیجه تأثیرپذیری از فنون دیگر تشکیل شده است که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. در مشاهده‌ها مشخص شد که وجود ذائقه هنری در بین اغلب افراد مراجعه‌کننده برای دریافت مجوز مشترک است. کمتر موردی دیده می‌شود که به‌طور ناگهانی و بدون پیشینه هنری تصمیم به هنرمند شدن گرفته باشد یا از پیشه‌ای نامرتبط به این حرفه روی آورده باشد. عشق و علاقه به انجام دادن کار هنری و فراگیری از پیشینیان، از جمله عوامل مشوق فرد است که او را به انجام دادن کار هنری مصمم می‌کند؛ چیزی که در مصاحبه‌ها نیز به آن اشاره شده است. این مورد بر تداوم کار هنری و پیشرفت و نیز ایجاد خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جدید نیز تأثیر فراوانی دارد. از سوی دیگر، علاقه شخصی از دوران کودکی به فعالیت‌های هنری، عامل اصلی شکل گرفتن گرایش به هنر است یا اینکه افراد به آن گرایش داشته‌اند. حال شکل‌گیری این علاقه یا در اثر تأثیرپذیری از والدین یا علائق شخصی بوده است؛ مثال:

«درواقع من در رابطه با کار خودم می‌دونم این عشق و علاقه و یک کاری رو انجام دادن و درواقع حسی رو ارضاء کردن و پیدا کردن، یه چیزیه که از جوونی گم کردم و دنبالش بودم». علاقه به هنر و ذوق حاصل از آن، مقوله‌ای است که به شکلی گسترده در بین جامعه هنری وجود داشته است و در قالب ساختارهایی بر ابعاد مختلف زندگی هنری افراد تأثیر گذاشته است. در بررسی وضعیت و بازدید از کارگاه‌های افراد مصاحبه‌شونده، این علاقه به هنر، به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. علاقه و عشق به کار هنری و نیز تعصب ورزیدن به آن چاشنی گفته‌ها و کردارهاست؛ تا حدی که به بخش مهمی از زندگی روزانه آنها تبدیل شده است. این موضوع، باعث شده است که اغلب افراد چندین فن را با یکدیگر انجام دهند. براساس مشاهده‌های محقق، گاهی افرادی چندین مجوز در چند رشته تولیدی را تقاضا کرده‌اند که با توجه به قوانین موجود، انجام دادن آن شدنی نبوده است.

### شرایط زمینه‌ای

نگاه مراجعه‌کنندگان به هنر، به‌عنوان پدیده‌ای تسکین‌بخش، عامل درخور توجهی برای پرداختن به آن است. بالابودن جاذبه هنر و کشش آن، وجود حس کرامت و انسانیت در هنر سنتی و اعتقاد به اینکه هنر، تقلیدی از کار خداست، بر ارزش و اهمیت پرداختن به صنایع دستی و هنرهای سنتی نزد بسیاری از صنعتگران مشغول به آن افزوده است و همین موضوع، زمینه اشتغال به آن را تا حد زیادی تقویت کرده است؛ مثال:

«یک تقلید بسیار ابتدایی من از خلقت خدا دارم. اگر کارهای ما رو زیر ذره‌بین بگذارند، هرچقدر زیبا کار کنیم، خط‌های زشت و بد فرم رو می‌بینیم، ولی کار خلقت رو اگر با بهترین ذره‌بین‌های الکترونیکی هم ببینید، کهکشان‌های زیبایی رو در دل سنگ‌ها می‌بینید».

## شرایط مداخله‌گر

مقولات مربوط به شرایط مداخله‌گر مثبت در انجام‌دادن فعالیت‌های هنری، گرایش ذاتی به هنر، سخت‌کوشی و نگاه واقع‌گرایانه، برداشت معنوی و دید حس‌گرایانه به هنر، عشق و علاقه به انجام‌دادن کار هنری، آشنایی با حرفه و تنوع در فعالیت هنری را در برمی‌گیرند؛ مثال:

«به‌صورت ذاتی گرایش به هنر داشتم. عشق به هنر در درون من زبانه می‌کشید و علاقه‌مندی شدید از همون کودکی با من همراه بود».

علاوه‌براین، خرده‌مقولات، تأثیرپذیری دینی، تأثیرپذیری فرهنگی و تاریخی، ماورا و معنویت در هنر و الهام‌گیری از طبیعت هستند که هر یک به‌نوبه خود تأثیراتی بر افراد داشته‌اند. هنرمند به‌واسطه زندگی در محیط اجتماعی قطعاً تأثیراتی از آن محیط می‌گیرد. اثرپذیری از خانواده، دوستان و اساتید و نیز الهام‌گیری از مسائل اجتماعی، مهم‌ترین مواردی هستند که مصاحبه‌شوندگان به آنها اشاره کردند.

براساس مشاهده‌ها می‌توان گفت که در گروه‌های مختلف و در میان هنرمندان صنایع دستی، تعدادی از افراد سرشناس هستند که ستون‌های هر رشته به‌شمار می‌آیند؛ اینها کسانی هستند که هم هنرشان از بقیه سرتر است و هم اینکه توجه زیادی به آنها می‌شود. بسیاری از کسانی که به دریافت مجوزهای جدید اقدام می‌کنند، شاگردان همین افراد هستند.

## راهبردها

راهبردهای ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان مبنی بر تداوم کار هنری‌شان را می‌توان در دو مقوله اقدامات مؤثر برای تداوم کار و همچنین نوآوری و خلاقیت خلاصه کرد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. در نظر اغلب مصاحبه‌شوندگان مقوله نوآوری اهمیت دارد و یکی از عوامل راهبردهای مناسب برای کسب موفقیت و به‌دست‌آوردن بازار مناسب است؛ مثال:

«چیزهایی که سبب رفع عیوب سازها و حفظ اصالت کار شدند. ابداع قطعات جدید و الحاق آن به سازها و استفاده از موادی چون فلز، استخوان، صدف و سنگ‌های قیمتی ادراک خودم بود و از آن لذت می‌بردم».

افکار اقتصادی، تربیت کارآموزان موفق، اصرار بر بقای کارگاه و تداوم هنر، اعتقاد به اصالت هنر و تعلق خاطر به کار و اشتیاق هنری، از مهم‌ترین مقولاتی هستند که مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان راهبردها به آنها اشاره کرده‌اند.

تعریفی که از صنایع دستی و هنرهای سنتی به ذهن می‌رسد، مشاغلی مثل «چلنگری سنتی»، «پارچه‌بافی»، «مسگری» و «قفل‌سازی» را تداعی می‌کند. این پیشه‌ها به‌صورت بسیار محدود در میان قشر سنتی صنعتگران در حال انجام‌شدن است و امیدی به تداوم آنها نیست، اما حقیقت این است که بسیاری از تقاضاهای موجود برای انجام‌دادن پیشه‌های سنتی براساس خواسته‌های موجود در بازار شکل می‌گیرد. لذت درونی و ایجاد شوق و علاقه به کار هنری از دیگر مقولات تأثیرگذار بر تداوم معرفی می‌شود و ازجمله مواردی است که در همه مصاحبه‌شوندگان مشترک است.

## پیامدها

در این بخش، ضمن اشاره به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، به پیامدهای اصلی اشاره می‌شود که فراتر از آنچه صنعتگران گفته‌اند، خود را در جامعه نشان می‌دهد و چیزی است که ما را به‌سوی مقوله مرکزی هدایت می‌کند. نگارنده برای توجیه این موضوع، علاوه بر ذکر مشاهده‌ها از اسناد و مدارک موجود نیز استفاده کرده است. پرداختن به صنایع دستی به‌دلیل اینکه حرفه‌ای سنتی است، تأثیر خاصی بر مکان‌گزینی هنرمندان و صنعتگران دارد؛ به این معنا که اغلب افراد در نقاط مرکزی و قدیمی‌تر یا شاید حومه‌های شهر که قبلاً روستا بوده‌اند، کارگاه خود را برپا می‌کرده‌اند.

طی بررسی‌ها درباره میزان تقاضاها در سه دوره زمانی متفاوت، نتایج درخور توجهی به‌دست آمد که به آنها اشاره می‌شود؛ میانگین میزان تقاضا برای هر سال در فاصله سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷، ۳۰۳۲ مورد، در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷، ۱۸۵۸ مورد و در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، ۱۴۹۳ مورد بوده است. با مراجعه به نامه‌ها و مکاتبات انجام‌شده در هر سه دوره زمانی، نتایج ذیل مشخص شد که عبارت است از:

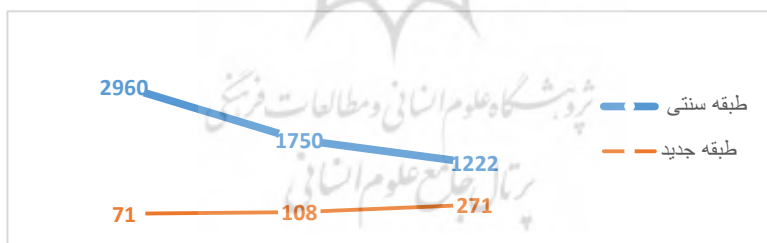
- افزایش تعداد هنرمندان در بازه زمانی اول، به‌دلیل وجود اعتبارات مستقل و رسیدگی و توجه بیشتر به این شاخه از هنر و رضایت نسبی از این فعالیت در میان صنعتگران؛

- یک دوره رکود نسبی و افزایش مجدد در اواخر دوره دوم با به جریان افتادن بیمه تأمین اجتماعی ویژه صنعتگران در سال ۱۳۸۷ و نیز ارائه تسهیلات صنایع دستی با رقم و بهره مناسب؛

- گرایش به دریافت مجوز در دوره زمانی سوم، به جز افزایش نسبی مختصر، در سال سوم این دوره کمتر دیده می‌شود.

بنابراین نقش دولت حاکم و وضعیت اداری موجود بر شکل‌گیری این گرایش، تأثیر چشمگیری دارد؛ چیزی که در سال‌های جاری بسیار کم‌رنگ شده است و به کاهش جمعیت جامعه مدنظر منجر شده است؛ با وجود این، پدیده جالب توجه در دوره زمانی سوم افزایش نسبی متقاضیان صنایع دستی در مناطق خارج از بافت سنتی و حاشیه‌ای شهر است که اتفاقاً صرف‌نظر از نیاز مالی با انگیزه‌های دیگری هنر سنتی را دنبال می‌کنند؛ مقایسه میزان تقاضاها در دو بافت اجتماعی متفاوت در شهر، اثبات‌کننده این موضوع است.

افزایش نسبی اشاره‌شده حکایت از افزایش گرایش به فعالیت در حوزه صنایع دستی و پیشه‌های سنتی در قشری دارد که در دوره‌های قبل، تعداد هنرمندان صنایع دستی در میان آنان کمتر بوده است. نمودار ۱ بیانگر میزان تقاضای قشر قدیم و جدید در دو بازه زمانی مدنظر است که البته در مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها نیز مشخص شد که قشر جدید برخلاف قشر سنتی به خدمات و حمایت‌های دولتی، کمتر نیاز دارد.



نمودار ۱- روند مراجعه برای صدور مجوزهای صنایع دستی در دوره‌های زمانی متفاوت بر حسب میانگین

در مقابل، صنعتگران سنتی تر راه افول را در پیش گرفته‌اند. سنت‌گرایان حرفه صنایع دستی را اغلب افرادی تشکیل می‌دهند که با همان اندیشه سنتی و بدون توجه به شکل‌گیری علایق و خواسته‌های جدید مخاطبان خود، اشیائی را تولید می‌کنند که به اصطلاح، تاریخ انقضایشان به سر رسیده است و استقبال چندانی از آنها نمی‌شود. به کار نبردن نوآوری، بی‌توجهی به ایده‌های نو

و تقاضای موجود در بازار و تقویت رقبای صنعتی از جمله مواردی هستند که باعث کساد بازار کارشان شده‌اند. از سوی دیگر، رواج ناامیدی ناشی از کاهش خدمات و ارائه تسهیلات نظیر بیمه تأمین اجتماعی و وام از سوی دولت، نوعی حس دل‌سردی از پیشه و کارشان را به‌همراه داشته است. مراده با تعداد بسیاری از این افراد، نشان داد که آنها کارشان را فقط به‌خاطر کسب حداقل روزی و اینکه «از در خانه ماندن بهتر است» انجام می‌دهند.

آنچه در ادامه ذکر می‌شود، عوامل و عللی است که در نظر و دید مصاحبه‌شوندگان و مشاهده‌شوندگان، آنان را به‌سمت گرایش هنری‌شان سوق داده است و محقق را به‌سوی پیامد اصلی و تحقق مقوله مرکزی که همان «افول همراه با تداوم صنایع دستی» هدایت کرده است. نمونه‌های زیادی از تأثیرگذاری اجتماعی هنر و هنرمند بر مخاطب ارائه شده است که هم در مصاحبه‌ها و هم در مشاهده‌ها به‌صورت جدی‌تری فرایند این تأثیرگذاری را نشان می‌دهد. تأکید بر نقش فرهنگ‌سازی توسط هنرمند و اینکه در جامعه مادی امروز رسالت تأثیرگذاری بر خانواده و اجتماع پیرامون برعهده اوست، از ایده‌های غالب در بین مصاحبه‌شوندگان است؛ مثال:

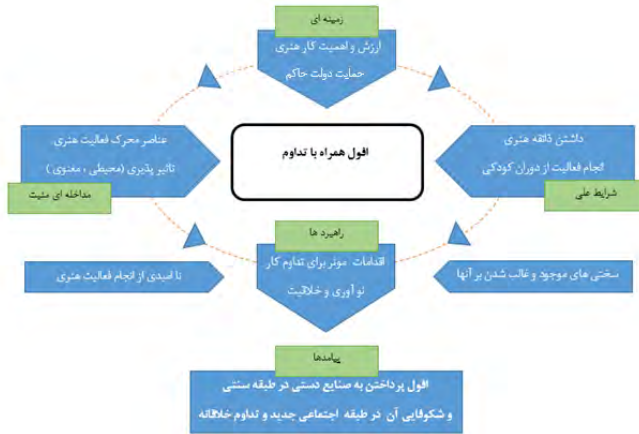
«حیات وحش رو توی زیورآلات آوردم برای خانم‌ها و دوستان و بچه‌ها. حس کردم که ایجاد این کنجکاوی‌ها داره اثر می‌ذاره ... شروع کردم به قلم‌زنی تفنگ‌ها، طلاکوبیشون و انتقال مناظر به روی تفنگ‌ها؛ این باعث می‌شد که خیلی‌ها باورشون نشه و داشتن چنین شیئی براشون خیلی مهم بود. کسانی که براشون تفنگ ساختنم، می‌گن الان هم که شکار ممنوع شده ما دوست داریم به این تفنگ برسیم و از داشتنش لذت ببریم. آقایی می‌گفت که من با سلاحم رفیقم و به هم انس داریم. الان پیام می‌ده که داریم با هم صفا می‌کنیم».

از سوی دیگر، دستیابی به یک جایگاه اجتماعی قابل قبول از مهم‌ترین مواردی است که صنعتگران در نتیجه پرداختن به حرفه هنری خود به آن دست یافته‌اند.

تبلیغ و دفاع از هنر ملی سرزمین، بیان تفکرات، کسب آرامش، ایجاد اشتغال و کارآفرینی و بهبود اقتصاد از دیگر اهداف مهمی است که مصاحبه‌شوندگان به آنها اشاره کرده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، مدل ۱ در نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها به‌دست

آمد.



## مدل ۱- مدل زمینه‌های عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی در دوران معاصر

### بحث و نتیجه‌گیری

رخداد پدیده مورد بحث با استفاده از راهبردهایی شکل گرفته است که شامل اقدامات مؤثری چون توجه به بازار مصرف، انتفاع و سودآوری، ایجاد اشتغال، توجه به حفظ اصالت و اشتیاق به کار می‌شود. همچنین خلاقیت و نوآوری و توجه به استفاده از فنون نوین در اجرای هنرهای سنتی، نقش بسزایی در وقوع مقوله هسته‌ای دارد.

همه این مفاهیم به تداوم خلاقانه فعالیت در حوزه صنایع دستی از سوی طبقه اجتماعی جدیدی منجر شده است که دلایلی نظیر تأثیرگذاری بر جامعه مخاطب و نقشی که در فرهنگ‌سازی و نشر فن در جامعه دارد، به‌دست آوردن جایگاه اجتماعی و شناخته‌شدن به‌واسطه هنر و نیز دستیابی به مقولاتی چون تبلیغ و دفاع از هنر ملی سرزمین، بیان تفکرات، کارآفرینی و ایجاد اشتغال و سرانجام کسب انتفاع و بهبودبخشیدن به اقتصاد زندگی، آن را تقویت می‌کنند و پدیده نهایی را به‌وجود می‌آورند.

وجوه مطالعه‌شده و به‌خصوص پیامدها و نتایج حاصله با آنچه از نظریه‌های اینگلهارت و ولزل، بوردیو، تراسی و کاستلز به‌دست آمد، مطابقت دارد. با ملاحظه نتایج پژوهش و نظریه‌های ذکرشده، فرایند تداوم فعالیت صنعتگران شهر مشهد در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی در دوران معاصر را این‌گونه می‌توان تعبیر کرد؛ تأثیر اندیشه خلاق انسان بر تولید و شکل‌بخشیدن به محصولات و داشتن بار فرهنگی با استفاده از طرح‌های اصیل و بومی و سنتی، دو خصوصیت

مهم صنایع دستی است که به واسطه آنها صنایع دستی توانسته است تأمین‌کننده بخشی از تاریخ زندگی اجتماعی بشر باشد و با تداوم در دوران معاصر نیز بخشی از جامعه را به خود مشغول کند. با توجه به آنچه گفته شد و نیز وجود ذائقه‌های هنری در مصاحبه‌شوندگان، عناصر محرک و تأثیرپذیری‌های محیطی و معنوی، یادآور مکتب فکری واگرایی اشاره‌شده از سوی اینگلهارت و ولز در چارچوب مفهومی اول هستند. در این چهارچوب به پایداری ارزش‌های سنتی مستقل از ارزش‌های اقتصادی اشاره می‌شود و ارزش‌های سنتی به تأثیر مستقل خود بر تغییرات فرهنگی ادامه می‌دهند.

در چارچوب مفهومی دوم و مطابق با نظریه بوردیو، صنایع دستی و هنرهای سنتی یک سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته هستند که درنهایت، در فرد نهادینه می‌شوند. به‌زعم بوردیو، سرمایه فرهنگی به‌صورت یک رابطه اجتماعی درون‌سازواره‌ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته است، عمل می‌کند و به قدرت و منزلت منتهی می‌شود. صنعتگر با مجموعه‌ای از مهارت‌های خاص و نیز سلیقه هنری خود و شناخت قابلیت‌هایش، آن را برای ایجاد درآمد تولید می‌کند و همچنین می‌تواند شبکه‌ای از روابط و تعاملات اجتماعی را ایجاد کند. نتایج پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر تداوم فعالیت صنعتگران در حوزه صنایع دستی برگرفته از نوعی روابط اجتماعی هستند و صنعتگر از این طریق، به‌دنبال تأثیرگذاری بر جامعه مخاطب است تا بتواند از طریق نشر فن خود در جامعه به جایگاه اجتماعی مناسبی دست یابد.

مطابق با مدل مفهومی سوم، تراسی با عنوان مفهوم صنایع فرهنگی به‌دنبال معرفی فعالیت‌های هنری است که به‌منظور تولید، اشتغال و برآوردن نیازهای مصرف‌کننده است که به اهداف انتفاعی و کسب سود و یا غیرانتفاعی و درنظرگرفتن ارزش‌های هنری صورت می‌پذیرند و میزان تقاضا برای عرضه آثار هنری، سهم بسزایی در شکل‌گیری این اهداف دارد.

در مصاحبه‌های انجام‌شده و با توجه به نتایج حاصل، مشخص شد که ترکیبی از دو حالت فوق در صنعتگران وجود دارد که با توجه به تقاضای موجود برای آثار هنری، شکل گرفته است. این موضوع در نظریه بوردیو با مفهوم ذائقه که حلقه اتصالی بین میدان‌ها و سرمایه‌هاست، مشخص می‌شود؛ به این معنا که ذائقه مصرف‌کنندگان، نوع کنش تولیدکنندگان کالای فرهنگی را نیز شکل می‌دهد.

اگرچه پرداختن به حرفه صنایع دستی و هنرهای سنتی که در گذشته بخش چشمگیری از مشاغل را در برمی‌گرفته است رو به افول است، در میان طبقات اجتماعی جدید و با رویکردهای دیگری در حال رونق و شکوفایی است و با اندیشه‌های جدیدی درآمیخته است. کاستلز در



چارچوب مفهومی خود به جماعت‌های فرهنگی اشاره می‌کند که بر بنیادهای دینی، ملی و منطقه‌ای استوارند و منبع الهامات هویت‌بخش برای اعضا هستند. کنشگران اجتماعی برخاسته از این جماعت‌ها با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی در دسترس، هویت جدیدی ایجاد می‌کنند و این موقعیت از نو تعریف‌شده‌شان در جامعه به آنان توانایی ظهور می‌دهد (حبی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در دنیای مدرنی که زوال هویت‌های مشترک امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، گروهی حول محور هویت‌های بنیادین از قبیل هویت‌های دینی، قومی و ملی گرد هم می‌آیند.

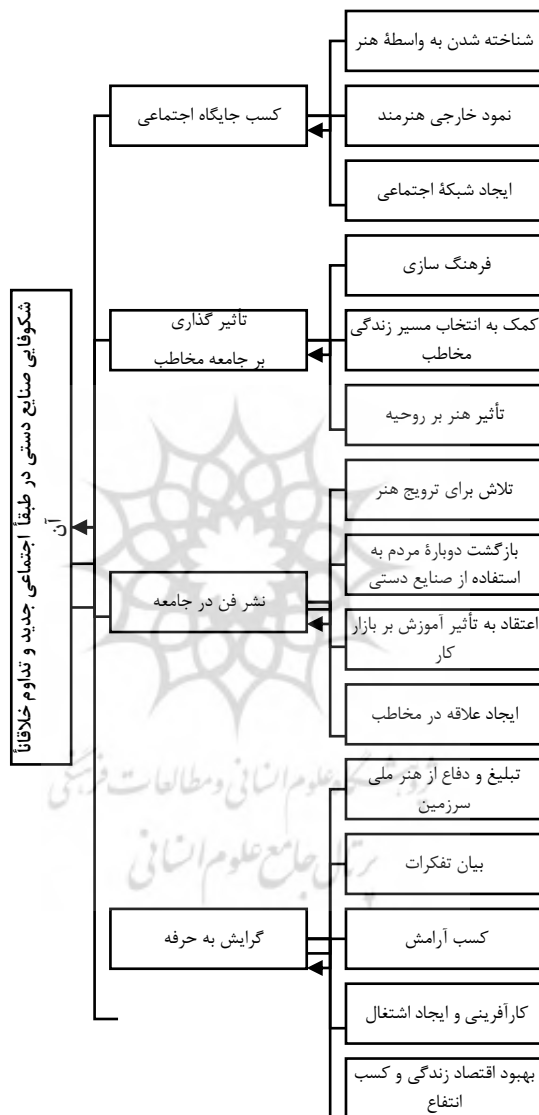
هنرمندان صنایع دستی، کنشگران اجتماعی هستند که به‌واسطهٔ دسترسی و تسلطشان بر بخشی از سنت جامعه ظهور یافته‌اند و توانسته‌اند باورها و میراث‌های خود را در مقابل فناوری، قدرت جریان‌ها و منطق بازار قرار دهند. مقوله‌هایی چون تبلیغ و دفاع از هنر ملی سرزمین، تلاش برای ترویج هنرهای سنتی و حفظ اصالت هنر؛ از جمله اقداماتی هستند که این صنعتگران انجام داده‌اند و به‌واسطهٔ آن توانسته‌اند بر مخاطبان خود تأثیر بگذارند.

آنچه در بخش مشاهده‌ها به آن اشاره شد، گویای این است که گروه جدیدی با الهام از سنت و البته آمیخته‌شده با اندیشه‌های نو به تولید و اشاعهٔ هنرهای سنتی مشغول‌اند و به یک هویت و جایگاه اجتماعی جدید دست یافته‌اند. ترویج هنر و صنایع دستی و نیز مصرف آن در میان افرادی که از طبقات بالاتر اجتماعی هستند، بیانگر ظهور شکل جدیدی از مقولهٔ صنایع دستی است.

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به مدل‌های مفهومی اشاره‌شده، می‌توان گفت که صنعتگران و هنرمندان صنایع دستی جماعت‌های فرهنگی هستند که با تأثیرپذیری از مجموعه‌ای از شرایط به فعالیت‌هایی می‌پردازند که در ارزش‌های سنتی و فرهنگی جامعه ریشه دارند. آنان سعی می‌کنند با ایجاد شبکه‌ای از روابط و تعاملات به جایگاهی اجتماعی دست یابند که بتوانند از طریق آن کالاهای تولیدی خود را عرضه کنند. توجه به بازار مصرف و تأثیرپذیری از آن راهبردی است که صنعتگران برای انطباق با دوران معاصر و تداوم فعالیتش درپیش گرفته‌اند.

در دنیای امروز رویکرد غالب کشورهای توسعه‌یافته، رشد و فراگیری صنایع خلاق مثل صنایع دستی و هنرهای سنتی است. درحالی‌که بسیاری از آنها برخلاف کشور ما ظرفیت‌های بومی در این حوزه ندارند، اما اهمیت فراوان صنایع خلاق و تأثیر فراوانی که بر توسعهٔ پایدار کشورها دارند، آنها را به این سمت و سو سوق داده است؛ بنابراین باید بتوانیم از ظرفیت‌های درونی خود از جمله صنایع دستی که در فرهنگ و سنن مردم ایران ریشه دارد، بهره بگیریم. عرضهٔ صنایع دستی و هنرهای سنتی ایران از اهمیت بسیار فراوانی برخوردار است؛ باوجوداین، در برههٔ کنونی،

صنایع دستی ایران برای رشد و توسعه با موانع و مشکلاتی نظیر؛ نوآوری‌های حاصله از رشد اقتصادی و رواج روز افزون تکنولوژی - که در منافات با پایداری حاکم بر آن می‌باشد- روبه‌رو است که باید برای آنها تدابیری اندیشیده شود.



مدل ۲- ترسیم آنچه سبب تداوم خلاقانه صنایع دستی در طبقات اجتماعی جدید شده

است

## منابع

فلیک ، اووه ؛ (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی ، ترجمه هادی جلیلی ، تهران ؛ نشر نی  
اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی،  
تهران: نشر کویر.

تراسبی، دیوید (۱۳۹۱) اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.  
ابول تختی ، سمیرا ؛ آسیب شناسی صنایع دستی بر مبنای مطالعه جامعه هنرمندو اثر هنری " مطالعه  
موردی (زیورآلات سنتی کرمانج خراسان شمالی ، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه الزهراء  
- دانشکده هنر - ۱۳۹۲ - (پایان نامه کارشناسی ارشد )  
پاکزاد ، زهرا ؛ (۱۳۹۵) نقش صنایع دستی در کارآفرینی زنان و توسعه اقتصادی ؛ جلوه هنر بهار و تابستان  
۱۳۹۵ شماره ۱۵

چیت سازبان ، امیرحسین ؛ جویباری ، وحیدرضا ؛ بهارلو ، علیرضا (۱۳۹۳) ، جایگاه  
اجتماعی صنایع دستی و هنر های سنتی با نظری به مسگری کاشان در گذشته و امروز ،

### دانش های بومی ایران پاییز و زمستان شماره ۲

حبی، اکرم؛ فتحی آذر، اسکندر و محمدبخش، بهمن (۱۳۸۹) «جهانی شدن و هویت های محلی و جهانی  
دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)»، تحقیقات فرهنگی، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۱.  
تابستان.

دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی (۱۳۸۶) «استراتژی های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی  
داده بنیاد»، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷، پاییز و زمستان.  
رضوانفر، مرتضی (۱۳۸۵) «صنایع دستی و مدرنیته» کتاب ماه هنر، شماره ۹۹-۱۰۰، صص ۷۴-۷۰، آذر  
و دی.

روحانی، حسن (۱۳۸۸) «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، مجله راهبرد، شماره ۵۳، صص ۳۵-۷،  
زمستان.

روشه، گئی (۱۳۸۰) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.  
صابری افتخاری ، عارفه (۱۳۹۱) ؛ «شناخت باورهای عوام و تأثیر آن در خلق هنر سنتی» ؛ فرهنگ و هنر  
روستایی ال دوازدهم، شماره ۲۳، پاییز و زمستان

طبسی، محسن و رازانی، اسد (۱۳۸۶) «هنر سنتی و مناسبات نسلی»، جوانان و مناسبات نسلی، شماره  
اول، صص ۱۵۲-۱۵۰، بهار و تابستان.

عباسی، فریبا (۱۳۸۸) بررسی تجلی باورها در طراحی فرش باغ، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع  
دستی (گرایش پژوهش)، به راهنمایی دکتر مهین سهرابی نصیرآبادی، دانشگاه الزهرا (س)، اسفند.

قنبری، سیروس؛ دهقان، محمدحسین و میرکی اناری، حسین (۱۳۹۶) «تبیین و ارزیابی نقش کارآفرینی در توسعه روستایی با تأکید بر صنایع دستی (مطالعه موردی: شهرستان انار)» پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱۷، صص ۱۳۲-۱۱۹، بهار.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه علیقیان و خاکباز، تهران: طرح نو. گلشن بافقی، جلیل (۱۳۹۲) شیوه مصرف صنایع دستی در بین تهرانی‌ها، طرح پژوهشی، پژوهشگاه علوم، تهران.

گنجی، محمد و حیدریان، امین (۱۳۹۳) «سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ: با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی» فصلنامه راهبرد، شماره ۷۲، صص ۹۷-۷۲، پاییز.

نادری، سمیه (۱۳۹۰) بررسی مفهوم اصالت در صنایع دستی با تکیه بر آراء تئودور آدورنو، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته صنایع دستی، به راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری، دانشگاه هنر، شهریار.

نظارتی، مهناز (۱۳۹۲) بررسی تأثیر مدنیسم بر صنایع دستی ایران از مشروطه تا پایان پهلوی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته صنایع دستی، به راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری، دانشگاه هنر، شهریار.

وبستر، فرانک (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه مهدی داودی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هوشیار، مهران (۱۳۸۷) «دیروز، امروز، فردا (بررسی جایگاه تکنولوژی در صنایع دستی و حفظ هویت فرهنگی دنیای امروز)». رهپویه هنر، شماره ۱، صص ۲۱-۱۶، زمستان.

یاوری، حسین (۱۳۸۲) آشنایی با هنرهای سنتی، تهران: نشر صبای سحر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی